

خدمت و وظیفه عمومی در آراء فقهای شورای نگهبان (بررسی موردی به‌کارگیری سربازان در نهادهای غیرنظامی و معافیت کفالت همسر)

سید محمدهادی راجی^{*۱}، حسین احمدی^{**۲}

۱. استادیار حقوق عمومی دانشگاه امام صادق

۲. کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه امام صادق (ع)

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۱۸ تاریخ پذیرش: ۹۸/۲/۲۸

چکیده

استفاده از سربازان در نهادهای غیرنظامی و عدم معافیت افراد متأهل به واسطه کفالت همسر، از جمله ایرادات شرعی فقهای شورای نگهبان به طرح «خدمت و وظیفه عمومی» مصوب ۱۳۶۲/۱۰/۵ مجلس شورای اسلامی بود. علی‌رغم ایراد اولیه شورای نگهبان، در اصلاحات صورت‌گرفته در این قانون، مقرراتی مشابه آنچه شورای نگهبان به آن ایراد گرفته بود، به تصویب مجلس و تأیید فقهای شورای نگهبان رسید. اکنون این سؤال مطرح است که چرا پس از اصلاحات، ایرادات شرعی مزبور لحاظ نشد؟ مقاله پیش رو با مطالعه کتابخانه‌ای و روش توصیفی - تحلیلی و با بررسی و تحلیل قوانین و مقررات مربوطه، نظرات و مشروح مذاکرات شورای نگهبان، به این نتیجه رسید که دو ایراد مذکور، علی‌رغم اینکه همچنان در متن قوانین و واقعیت خارجی وجود دارند، توسط شورای نگهبان نادیده گرفته شده‌اند و دلیل متقنی برای این نادیده گرفتن مشاهده نمی‌شود. بدین جهت لازم است شورای نگهبان به‌عنوان نهاد پاسدار شریعت، مجدداً قوانین مربوط به خدمت و وظیفه عمومی را از جهت تطابق با موازین شرعی بازنگری کند.

واژگان کلیدی: سربازی، خدمت و وظیفه عمومی، شورای نگهبان، مشمولین متأهل، معافیت کفالت، نهادهای غیرنظامی

* Email: raji@isu.ac.ir

** Email: hosseinalisafar@gmail.com

مقدمه

اجبار عمومی شهروندان به مشارکت در امور نظامی از طرف دولت به موجب قوانین موضوعه - نزدیک به آنچه امروزه به آن سربازی می‌گوییم - پس از تحولات گسترده فکری و ساختاری در اروپا و شکل‌گیری جامعه مدرن برای اولین بار در کشور فرانسه صورت گرفت (نیازی و شالچی، ۱۳۹۲، ۱۱۸). پس از فرانسه، کشورهای اروپایی با استفاده از تجربه فرانسه یکی پس از دیگری اقدام به تصویب قانون سربازگیری عمومی کردند (زنجان، ۱۳۵۵، ۱۹). دیری نگذشت که ایرادات نظام سربازگیری اجباری آشکار شد و در عرصه جهانی منتقدانی یافت.^۱ در ایران «قانون سربازگیری» پس از انقلاب مشروطه و در سال ۱۲۹۴ش در هجده ماده به تصویب مجلس سوم رسید. ماده اول این قانون، اساس قشون‌گیری دولت ایران را به طرز بنیچه (خدمت اجباری خصوصی)^۲ مقرر کرد. پس از آن «قانون خدمت نظام اجباری» (عمومی) در ۳۶ ماده در خرداد ماه سال ۱۳۰۴ش در دوره پنجم مجلس شورای ملی به تصویب رسید (آشنا، ۱۳۸۸، ۲۶).

پس از انقلاب اسلامی برای اولین بار «طرح خدمت وظیفه عمومی» در تاریخ ۱۳۶۲/۱۰/۵ در مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۶۲/۱۰/۶ به شورای نگهبان فرستاده شد. شورای نگهبان مطابق وظیفه قانونی خود در تطبیق مصوبه مذکور با موازین شرعی و قانون اساسی، این قانون را دارای دوازده ایراد شرعی دانست.^۳

در مقاله پیش رو سعی شده است دو ایراد محتوایی فقهای شورای نگهبان، ناظر به عدم معافیت افراد متأهل و به‌کارگیری سربازان در نهادهای غیرنظامی تحلیل و بررسی شود. اهمیت بررسی این دو ایراد از این جهت است که به نظر می‌رسد در متن قوانین فعلی هر دو ایراد نادیده گرفته شده است. به عبارت دیگر، در مجموعه قوانین فعلی مربوط به خدمت وظیفه عمومی، نه تنها افراد متأهل از خدمت وظیفه عمومی معاف نیستند، بلکه تمهیدات مناسبی نیز جهت تأمین معیشت این افراد در نظر گرفته نشده است. همچنین نهادهای متعدد غیرنظامی به صورت قانونی، از سربازان در امور غیرنظامی استفاده می‌کنند.

در این مقاله با مراجعه به اسناد موجود در این خصوص، مانند سابقه نظرات و مشروح مذاکرات شورای نگهبان، در مطالعه‌ای توصیفی - تحلیلی، در پی پاسخ به این مهم هستیم که چه دلیلی برای عدم توجه شورای نگهبان به ایرادات مذکور در اصلاحات قانون خدمت وظیفه عمومی وجود داشته است. به نظر می‌رسد عدم معافیت افراد متأهل از خدمت وظیفه عمومی علاوه بر اینکه با مبنای قانون‌گذار در اعطای معافیت‌ها ناسازگاری دارد، در وضعیت کنونی جامعه، که یکی از دغدغه‌های اصلی جوانان تشکیل خانواده است، می‌تواند موجب تأثیرات

منفی بر نهاد خانواده و بالا رفتن سن ازدواج شود. همچنین استفاده از سربازان در نهادهای غیرنظامی، نه تنها با ماهیت نظامی خدمت وظیفه عمومی ناسازگار است، بلکه می‌تواند راه استفاده رایگان دولت از نیروی کار جوان در بخش‌های مختلف کشور را نیز باز کند. بدین منظور در قسمت اول مقاله به صورت مختصر به تبیین فلسفه تأیید قانون خدمت وظیفه عمومی توسط شورای نگهبان پرداخته و در قسمت دوم به تبیین دو ایراد مهم شورای نگهبان به مصوبه خدمت وظیفه عمومی و چگونگی نادیده گرفتن شدن این ایرادات در قوانین بعدی پرداخته خواهد شد.

۱. فلسفه تأیید مصوبه «خدمت وظیفه عمومی» از دیدگاه فقهای شورای

نگهبان

در تأیید مصوبه خدمت وظیفه عمومی میان اعضای فقیه شورای نگهبان اختلاف نظر بود.^۴ مهم‌ترین اختلاف نظری که وجود داشت درباره ماده اول مصوبه بود که کلیه اتباع ذکور دولت جمهوری اسلامی ایران را مکلف به انجام خدمت وظیفه عمومی می‌دانست.^۵ در واقع الزام کلیه جوانان به خدمت وظیفه عمومی می‌بایست بر مبنای فقهی مستحکمی استوار می‌شد. آیت‌الله صافی گلپایگانی معتقد بود که مواد قانون به گونه‌ای تنظیم شده‌اند که کلمه «دفاع» در ماده اول قانون را نه می‌توان واجب کفایی دانست، نه واجب عینی؛ چراکه اگر واجب کفایی باشد، الزام کلیه اتباع ذکور مجوز فقهی نخواهد داشت و اگر واجب عینی باشد، در نظر گرفتن سن و مدت زمان خاص معنا نخواهد داشت.

ایشان با اصرار بر اینکه اصل دفاع مطابق موازین شرعی، واجب کفایی است، معتقد بود که مقدمه دفاع که آموزش نظامی است، نمی‌تواند از ذی‌المقدمه فراتر برود و همه ملزم به شرکت در آن باشند. بنابراین، ایشان با توجه به وجوب کفایی اصل دفاع، الزام کلیه جوانان به شرکت در خدمت وظیفه عمومی را که مقدمه‌ای برای دفاع است، به صورت مطلق، خلاف موازین شرعی می‌دانست. ایشان معتقد بود که دولت در هر سال باید میزان نیاز خود را اعلام کند و به همان میزان جوانان ملزم به شرکت در خدمت وظیفه عمومی باشند. بر اساس نظر آیت‌الله صافی گلپایگانی مصوبه مجلس که در آن به صورت نامحدود کلیه جوانان ملزم به شرکت در خدمت وظیفه عمومی شده‌اند، با وجوب کفایی دفاع تعارض دارد و خلاف موازین شرعی است.

در مقابل آیت‌الله محمد مؤمن و آیت‌الله احمد جنتی با استناد به آیه شریفه ۶۰ سوره انفال،^۶ نفس آمادگی نظامی در مقابل دشمن را واجب کفایی و تنظیم مقررات مربوط به این آمادگی را بر عهده دولت می‌دانستند. از این رو، برنامه‌ریزی برای الزام کلیه افراد به صورت دوره‌ای و

موقت را نه تنها خلاف موازین شرعی نمی دانستند، بلکه آن را در راستای آیه مذکور و مطابق موازین شرعی می پنداشتند. در نهایت، ماده اول مصوبه «خدمت وظیفه عمومی» پس از مباحثات فراوان میان فقهای شورای نگهبان با تأیید اکثریت اعضا به تصویب رسید.^۷

با دقت در مشروح مذاکرات شورای نگهبان، به روشنی مشخص می شود که مبنای تأیید مصوبه فوق - با چشم پوشی از اختلاف نظر میان فقهای شورای نگهبان - نظامی بوده و استدلال های اعضا نیز همگی حول محور احکام فقهی جهاد و دفاع در اسلام بوده است. تأکید بر این نکته بدین جهت است که پس از این، قوانینی به تصویب رسیده که برخی از مواد آن ناقض هدف اولیه از تصویب و تأیید قانون خدمت وظیفه عمومی است.

۲. دو ایراد شورای نگهبان به مصوبه خدمت وظیفه عمومی و فلسفه ایرادات

در این قسمت به صورت خلاصه به دو ایراد مهم شورای نگهبان به مصوبه خدمت وظیفه عمومی و فلسفه این ایرادات می پردازیم. چنان که گفته شد، مبنای تأیید مصوبه خدمت وظیفه عمومی توسط فقهای شورای نگهبان حفظ آمادگی دفاعی کشور در مقابل تهاجم دشمن بوده است. به همین دلیل فقهای شورای نگهبان موادی از مصوبه فوق را که در راستای هدف اصلی مصوبه نبوده یا به صورتی دیگر مغایر با احکام اسلامی بوده، خلاف موازین شرع اعلام کرده است.

۲-۱. به کارگیری مشمولان خدمت وظیفه عمومی در نهادهای غیر نظامی

یکی از مهم ترین ایرادات شورای نگهبان به قانون خدمت وظیفه به موادی بود که اجازه می داد از سربازان در نهادهای غیر نظامی استفاده شود. ماده ۵ مصوبه مجلس مقرر داشته بود:

کلیه مشمولان قادر به خدمت و بلامانع به خدمت دوره ضرورت اعزام می شوند و پس از فراگرفتن آموزش های نظامی لازم بقیه خدمت دوره ضرورت را در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران یا دانشگاه ها و یا وزارتخانه ها و نهادهای قانونی و مؤسسات و شرکت های دولتی و سایر مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت و هلال احمر یا شهرداری ها و کلیه سازمان های دولتی که شمول قانون مستلزم ذکر نام آنهاست انجام خواهند داد.

شورای نگهبان در نظر شماره ۱۰۳۵۱ مورخ ۱۳۶۲/۱۰/۲۶ ماده مذکور را با استدلال ذیل مغایر با موازین شرعی دانست:

در ماده ۵ نظر اکثریت فقهای شورای نگهبان این است که آموزش نظامی لازم، اگرچه تمام مدت دوره ضرورت را هم شامل شود، در رابطه با وظیفه دفاع و آمادگی افرادی که دفاع بر آنها واجب است شرعی است، چنانکه تحت سلاح نگاه داشتن افراد آموزش دیده تا پایان دوره نیز به مقدار نیاز اگرچه تمام آنها را شامل شود شرعی و لازم

است و چنانچه به تمام افراد آموزش دیده در بقیه دوره ضرورت نیاز نباشد، ممکن است از آنها تا خاتمه دوره ضرورت به جهت تحت سلاح به طور متناوب و اگر ممکن نیست با قرعه استفاده شود؛ اما الزام افراد آموزش دیده به خدمات‌های غیر مربوط به آموزش نظامی و دفاع از کشور در وزارتخانه‌ها و دانشگاه‌ها و نهادها و سایر سازمان‌ها و مؤسسات شرعی نمی‌باشد و باید تمام مواد این قانون که بر اساس این الزام عنوان شده است اصلاح شود. (مرکز تحقیقات شورای نگهبان، ۱۳۹۰، ۶۳۶)

مجلس شورای اسلامی برای تأمین نظریه شورای نگهبان، نظر فوق با فلسفه تصویب و تأیید قانون خدمت وظیفه عمومی مطابقت دارد و بر این مبنا استوار است که الزام کلیه شهروندان به انجام خدمت در دولت باید دارای مبنای فقهی مستحکمی باشد. از آنجا که دفاع و آمادگی دفاعی بر مسلمانان واجب است، الزام کلیه جوانان به خدمت وظیفه عمومی در جهت تقویت بنیه دفاعی کشور بلاشکال است. در عین حال، نباید اختیار دولت را به صورت موسع تفسیر کرد؛ به گونه‌ای که دولت اجازه داشته باشد افرادی مازاد بر نیاز خود را ملزم به حضور در خدمت وظیفه کند و سپس به دلیل وجود نیروی اضافی آنان را برای خدمت به نهادهای دیگر دولتی اعزام کند. در واقع اگر فلسفه حضور الزامی افراد در خدمت وظیفه تقویت بنیه دفاعی کشور است، از آنجا که این موضوع به حقوق و آزادی افراد وابستگی تام دارد، باید به قدر ضرورت اکتفا کرده، بیش از نیاز، افراد را ملزم به شرکت در خدمت وظیفه نکرد. از این جهت مطابق نظر شورای نگهبان هرگونه استفاده از مشمولین در امور غیرنظامی با فلسفه تأیید مصوبه مذکور مغایر بوده، باید اصلاح شود.

در مصوبه اصلاحی خود، ماده ۵ را اصلاح کرد و ادامه خدمت دوره ضرورت سربازان در نهادهای غیرنظامی را از متن ماده مذکور حذف کرد. البته تبصره ۳ ماده ۵ اصلاحی با استناد به اصل ۱۴۷ قانون اساسی^۸ و مشروط به عدم آسیب به آمادگی رزمی نیروهای مسلح، استفاده از سربازان در نهادهای غیرنظامی را تجویز کرد^۹ که فقهای شورای نگهبان به آن ایراد نگرفتند؛^{۱۰} در حالی که محتوای تبصره مذکور، با ماده ۵ یکی است و هر دوی آنها اجازه استفاده از سربازان را در امور غیرنظامی به دولت می‌دهد. حتی می‌توان گفت که تبصره ۳ ماده ۵ الزام بیشتری دارد و دولت را موظف به قرار دادن سربازان در اختیار بخش‌های غیرنظامی کرده است.

با توجه به آنچه گفته شد مشخص نیست که چرا فقهای شورای نگهبان ایراد ماده ۵ را نسبت به تبصره ۳ این ماده وارد ندانسته، آن را تأیید کرده‌اند. در آخرین قانون درباره خدمت وظیفه عمومی با عنوان «قانون اصلاح موادی از قانون خدمت وظیفه عمومی» نیز که در تاریخ

۱۳۹۰/۹/۲ به تأیید شورای نگهبان رسید، فصلی با عنوان «استفاده دستگاه‌های غیرنظامی از خدمات کارکنان وظیفه» اضافه شد. در ماده ۴۸ این قانون با استناد به اصل ۱۴۷ قانون اساسی به دولت اجازه داده شده است که از مشمولین خدمت وظیفه در نهادهای غیرنظامی نیز استفاده کند.^{۱۱} شورای نگهبان بدون در نظر گرفتن نظریه قبلی خود درباره این موضوع، هیچ‌گونه ایرادی را متوجه ماده مذکور ندانسته و آن را تأیید کرده است.

آن‌چنان که گفته شد به‌کارگیری مشمولین خدمت وظیفه عمومی در نهادهای غیرنظامی نه تنها با مبنا و فلسفه قانون خدمت وظیفه عمومی با ماهیتی نظامی، سازگاری ندارد، بلکه با توجه به آنچه در مشروح مذاکرات شورای نگهبان در سال ۱۳۶۲ منعکس و نقل شد، از جهت شرعی نیز فاقد مبنای صحیح است. در مشروح مذاکرات شورای نگهبان درباره ماده مذکور در سال ۱۳۹۰ نیز هیچ اشاره‌ای به نظریه قبلی شورا و ایراد شرعی موجود در آن، نشده است. استناد به اصل ۱۴۷ قانون اساسی نیز مشکل شرعی موضوع را حل نخواهد کرد؛ چراکه ایراد شورای نگهبان، از جهت مغایرت با موازین شرعی بوده و اساساً ناظر به قانون اساسی نبوده است که استناد به اصل ۱۴۷ مشکل را حل کند. از طرفی، اصل ۴ قانون اساسی حاکم بر سایر اصول قانون اساسی است و نمی‌توان اصول قانون اساسی را به نحوی تفسیر کرد که مغایر با موازین شرعی باشد.

صرف نظر از موارد مذکور، استناد به اصل ۱۴۷ قانون اساسی برای استفاده از سربازان در نهادهای غیرنظامی ایراد مهم دیگری نیز دارد؛ چراکه به موجب نص اصل ۱۴۷، ارتش در صورتی می‌تواند در زمان صلح از امکانات و تجهیزات فنی خود در امور غیرنظامی استفاده کند که به آمادگی رزمی نهاد مذکور صدمه‌ای وارد نشود. به عبارت دیگر وقتی ارتش قصد دارد از نیرویی در امور غیرنظامی استفاده کند، باید قبل از آن بررسی کرده باشد که از جهت نظامی صدمه‌ای نبیند و آمادگی خود را از دست ندهد. حال وقتی از مشمولین در امور غیرنظامی استفاده می‌کند و آنها را به نهادهای دیگر واگذار می‌کند، در واقع بدین معنی است که به وجود آنها در ارتش نیاز ضروری ندارد و بدون آنها نیز دارای آمادگی است و به قدرت دفاعی آن صدمه‌ای وارد نمی‌شود. با این فرض، اصل الزام چنین مشمولانی به خدمت وظیفه اشکال دارد؛ چراکه فلسفه حضور مشمولین در ارتش و الزام آنها به خدمت وظیفه، حفظ آمادگی دفاعی نیروهای نظامی است. وقتی نیروهای نظامی مشمولین را به نهادهای دیگر می‌فرستند، یعنی به وجود آنها نیاز ضروری ندارند؛ بنابراین، اصل الزام افراد به خدمت وظیفه اشکال دارد و با توجه به نظریه مورخ ۱۳۶۲/۱۰/۵ شورای نگهبان از جهت شرعی واجد ایراد به نظر می‌رسد. مشروح مذاکرات اعضای مجلس بررسی نهایی قانون اساسی درباره اصل ۱۴۷ نیز

نشان‌دهنده آن است که اغلب اعضای مجلس با استفاده از سربازان در نهادهای غیرنظامی مخالف بوده‌اند و متن پیش‌نویس اصل ۱۴۷ با تغییراتی در این مورد، به تصویب رسیده است.^{۱۲} با توجه به آنچه گفته شد مشخص نیست که فقهای شورای نگهبان بر اساس چه معیاری از نظریه اولیه خود عدول کرده، استفاده از مشمولین خدمت و وظیفه عمومی در نهادهای غیرنظامی را جایز دانسته‌اند.^{۱۳}

۲-۲. معافیت کفالت همسر

در این قسمت ابتدا به تبیین و تحلیل ایراد دوم شورای نگهبان به مصوبه خدمت و وظیفه عمومی و چگونگی نادیده انگاری ایراد مذکور و اجرای قوانین مغایر با آن پرداخته خواهد شد. پس از آن، حقوق دریافتی مشمولین متأهل و عدم انطباق آن با نیازهای جامعه امروزی را محاسبه و تحلیل می‌کنیم.

۱-۲-۲. تبیین و تحلیل ایراد شورای نگهبان و سرانجام آن

دومین ایراد مهمی که فقهای شورای نگهبان به طرح «خدمت و وظیفه عمومی» گرفتند و آن را مغایر با موازین شرعی دانستند، مربوط موادی بود که در آنها افراد با مسئولیت کفالت دیگری، مشمول خدمت و وظیفه دانسته شده بود؛ برای مثال درباره ماده ۴۵^{۱۴} مصوبه در بند ۸، نظر شورای نگهبان این چنین بیان شده بود:

«اطلاق ماده ۴۵ در مورد اعزام به خدمت داوطلبی که کفالت پدر و مادر و جد و جده و همسر و اولاد خود را به عهده دارد، چنانچه در ارتش نتواند وظایف خود را انجام دهد به تأیید فقهاء نرسید».

بر اساس نظر فوق، فقهای شورای نگهبان الزام افرادی که مطابق شرع و قانون، کفالت افراد دیگری را بر عهده دارند، به خدمت و وظیفه عمومی، در صورتی که از انجام وظایف شرعی خود ناتوان شوند، مغایر با موازین شرعی دانسته‌اند. به عبارت دیگر، تقویت بنیه دفاعی کشور واجبی کفایی بوده^{۱۵} و بر عهده عموم مسلمانان و دولت اسلامی است، در حالی که، کفالت پدر، مادر، همسر و غیره واجب عینی و بر عهده فرد خاص است. در تعارض این دو واجب، واجب عینی بر واجب کفایی مقدم است (مشکینی اردبیلی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۱۰) و دولت اجازه الزام افراد مذکور به خدمت و وظیفه عمومی را ندارد. با توجه به دیدگاه فقهای شورای نگهبان نمی‌توان کفیل والدین، اجداد، همسر و فرزندان را ملزم به حضور در خدمت و وظیفه کرد و لازم است دولت از راه‌های دیگری اقدام به تقویت بنیه دفاعی کشور کند.

مجلس شورای اسلامی، مصوبه خود را با توجه به ایرادات شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۶۳/۳/۵ اصلاح کرد و جهت تطبیق با موازین شرعی و قانون اساسی به شورای نگهبان فرستاد. شورای

نگهبان در دومین مرحله از بررسی طرح ارسالی، به دلیل عدم تأمین نظر خود، مجدداً در تاریخ ۱۳۶۳/۳/۲۷ مصوبه را جهت اصلاح به مجلس شورای اسلامی برگرداند. در نظر شورا درباره مصوبه اصلاحی چنین آمده بود:

نظر فقهای شورا در بند ۸ نظریه مورخ ۱۳۶۲/۱۰/۲۶ در اصلاحیه تأمین نشده و به معافیت مشمول به واسطه تکفل همسر و فرزند اشاره‌ای نگردیده، اشکال مذکور باقی است و بدین لحاظ به تأیید اکثریت فقها نرسید.

مجلس در مصوبه اصلاحی علی‌رغم نظر شورای نگهبان، صرفاً به معافیت کفالت درباره والدین و اجداد اشاره کرده و هیچ مقرره‌ای درباره معافیت به واسطه کفالت همسر و فرزندان وضع نکرده بود. این در حالی است که کفالت همسر و فرزندان و وظیفه شوهر در تأمین نفقه آنان، مطابق احکام فقهی (انصاری، ۱۴۱۵، ۴۲۵؛ خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۳۱۳؛ شهید اول، ۱۴۱۰، ۱۸۹) و قانونی (مواد ۱۱۰۶^۱ و ۱۱۹۹^۲ قانون مدنی)، امری مسلم بوده و هیچ تردیدی در آن راه ندارد. همچنین مطابق قانون (ماده ۱۲۰۳ قانون مدنی)^{۱۸} تأمین نفقه همسر بر نفقه سایر اقارب اولویت دارد. به نظر می‌رسد مصلحت‌سنجی مجلس شورای اسلامی از این جهت بوده است که در صورت معافیت افراد متأهل به واسطه کفالت همسر و فرزندان ممکن است تعداد زیادی از جوانان قبل از رسیدن به سن اعزام به خدمت، ازدواج کرده، از تعداد مشمولین کاسته شود.

همچنین عدم معافیت افراد متأهل به جهت کفالت همسر ممکن است به این دلیل باشد که قانون‌گذار خواسته است از ازدواج‌های صوری به دلیل معافیت از خدمت جلوگیری کند. در حالی که برای حل این مشکل راه‌های دیگری نیز وجود دارد. اعطای معافیت موقت، که در صورت گذشت زمان مشخصی (فرضاً ۵ یا ۱۰ سال) به معافیت دائم تبدیل می‌شود، می‌تواند یکی از راه‌های جلوگیری از ازدواج‌های صوری باشد. همچنین اعطای معافیت موقت که با تولد فرزند اول به معافیت دائم تبدیل می‌شود، نیز یکی دیگر از راه‌هایی است که قانون‌گذار می‌توانست برای جلوگیری از ازدواج صوری پیش‌بینی کند. اعمال معافیت‌های مذکور علاوه بر انطباق با اصل ۱۰ قانون اساسی در راستای سیاست افزایش جمعیت نیز می‌تواند مؤثر واقع شود.

در هر صورت مصلحت‌سنجی مجلس شورای اسلامی، نمی‌تواند نافی وظیفه و تکلیف شرعی شوهر در تأمین نفقه همسر و فرزندان خود باشد و مجلس می‌بایست به گونه‌ای قانون‌گذاری می‌کرد که افراد متأهل از ادای وظایف خود ناتوان نشوند. تأمین نفقه از حقوق قانونی زن است و می‌تواند در راستای ایفای حق خود به دادگاه رجوع کرده، همسر را ملزم به تأدیه این حقوق

کند (ماده ۱۱۱۱ قانون مدنی)^{۱۹}؛ در حالی که اگر همسر به موجب الزام قانونی به خدمت وظیفه اعزام شده باشد، بدون اختیار و به الزام دولت از تأمین نفقه و نیازهای همسر عاجز مانده است. در این حالت، دولت فرد را مجبور به کاری کرده است که نتواند نفقه خانواده خود را بپردازد و از طرف دیگر خود دولت در صورت مراجعه زن باید همسر را ملزم به تأدیه نفقه کند. این امر نه تنها از جهت عقلی و منطقی پذیرفته نیست، بلکه از جهت شرعی نیز جایز نیست؛ بلکه از جهت شرعی نیز نمی‌توان فرد را به عملی ملزم کرد که به دلیلی خارج از اختیار خود نتوانسته است آن را انجام دهد. فقهای شورای نگهبان با توجه به موارد مذکور، عدم معافیت مشمولین متأهلی که با اعزام به خدمت قدرت اداره معاش خود را از دست می‌دهند، مطابق با موازین شرعی ندانسته است.

مجلس شورای اسلامی پس از ایراد مجدد شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۶۳/۷/۲۹، سعی کرد که ایراد مذکور را برطرف کند، به همین دلیل در بند (هـ) ماده ۴۴ در جهت تأمین نظر فقهای شورای نگهبان، معافیت مشمولین دارای همسر و فرزند را به صورت موقت و تا تصویب لایحه‌ای توسط دولت جهت کمک به مشمولینی که با اعزام به خدمت قدرت اداره معاش خود را از دست می‌دهند، تصریح کرد.^{۲۰} شورای نگهبان در سومین مرحله از بررسی خود، در تاریخ ۱۳۶۳/۸/۸ مصوبه مجلس را مغایر موازین شرع و قانون اساسی تشخیص نداد و مصوبه مذکور به قانون تبدیل شد.

«قانون نحوه کمک به خانواده‌های مشمولینی که با اعزام مشمول قدرت اداره معاش خود را از دست می‌دهند» نیز در تاریخ ۱۳۶۶/۶/۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی و در تاریخ ۱۳۶۶/۶/۱۹ به تأیید شورای نگهبان رسید.

با دقت در ماده ۲۱۴۴ قانون خدمت وظیفه عمومی مصوب ۱۳۶۳/۷/۲۹، مشخص می‌شود که قانون‌گذار در اعطای معافیت‌ها مبنای یکسانی نداشته است. به عبارت دیگر قانون‌گذار، افرادی که یگانه نگهدارنده پدر یا مادر یا خواهر خود هستند را از خدمت وظیفه عمومی به صورت دائم معاف کرده است؛ اما افرادی که قانوناً کفالت همسر و فرزندان خود را بر عهده دارند و مطابق قانون باید نفقه آنها را بپردازند و پاسخگوی نیازهای مادی و معنوی خانواده خود باشند، از خدمت وظیفه معاف نکرده است. در حالی که نیاز همسر و فرزندان به شوهر و پدر و حضور او در خانواده کمتر از نیاز پدر به فرزند یا خواهر به برادر نیست.

آخرین قانون درباره خدمت وظیفه عمومی با عنوان «قانون اصلاح موادی از قانون خدمت وظیفه عمومی» مصوب ۱۳۹۰/۸/۲۲، ماده ۴۴ قانون سابق را به نحو دیگری بیان کرده است. تبصره ۲ ماده ۸۱ قانون اخیر درباره کمک به مشمولین متأهلی که با اعزام به خدمت وظیفه،

قدرت اداره معاش خود را از دست می‌دهند، مقرر کرده است:

دولت موظف است خانواده‌هایی را که با اعزام مشمول به خدمت سربازی از نظر تأمین معیشت زندگی با مشکل مواجه می‌شوند و قادر به تمشیت امور خود نباشند براساس مفاد قانون نحوه کمک به خانواده‌های مشمولینی که قدرت اداره معاش خود را از دست می‌دهند مصوب ۱۳۶۶/۶/۳ تا پایان خدمت تحت پوشش قرار دهد.

به عبارت دیگر در قانون سال ۱۳۹۰ نیز برای تأمین معیشت خانواده‌های مشمولین متأهل، روش موجود در قوانین گذشته، در نظر گرفته شده است.

شیوه تعیین شده برای حل مشکل تأمین معاش خانواده مشمولین در قانون سال ۱۳۶۳ و اصلاحات پس از آن تا سال ۱۳۹۰، ایرادات متعددی دارد و علی‌رغم سعی قانونگذار در حل مشکل مزبور، دلیل و فلسفه ایراد شورای نگهبان در متن قوانین و صحنه اجرا همچنان وجود دارد. با دقت در قانون مصوب سال ۱۳۶۶ جهت تأمین معاش خانواده مشمولین متأهل، می‌توان ایرادات زیر را در آن مشاهده کرد:

الف) مطابق ماده یک «قانون نحوه کمک به خانواده‌های مشمولینی که با اعزام مشمول قدرت اداره معاش خود را از دست می‌دهند»:

دولت موظف است همه‌ساله اعتبار لازم، برای کمک به خانواده تحت تکفل مشمولین نیازمند موضوع این قانون را در ردیف جداگانه‌ای در لایحه بودجه کل کشور ذیل ردیف کمیته امداد امام منظور نماید.

با جست‌وجوی صورت گرفته در قوانین بودجه سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۹۸ در هیچ‌کدام از قوانین بودجه ردیفی با موضوع کمک به خانواده‌های مشمولین ذیل بودجه ردیف کمیته امداد یافت نشد.^{۲۲} به واقع در مقام عمل چنین اتفاقی رخ نداده است و بودجه‌ای بدین منظور به کمیته امداد اختصاص داده نشده است. این امر می‌توانست به‌عنوان ایراد شورای نگهبان به لایحه بودجه مطرح شود، چراکه در صورت اختصاص ندادن ردیف مذکور به کمیته امداد، اشکال شرعی قانون خدمت وظیفه عمومی کماکان باقی می‌ماند. به عبارت دیگر، شورای نگهبان قانون خدمت وظیفه عمومی را به این دلیل تأیید کرد که مطابق آن باید دولت بودجه‌ای را برای خانواده‌های مشمولین در نظر می‌گرفت، در حالی که این امر اتفاق نیفتاده است و به نحوی ایراد شورای نگهبان همچنان باقی است.

گفتنی است که هیئت وزیران قبل و بعد از تصویب «قانون نحوه کمک به خانواده‌های مشمولینی که با اعزام مشمول قدرت اداره معاش خود را از دست می‌دهند»^{۲۳} در جلسات متعددی از جمله در تاریخ‌های ۱۳۶۶/۲/۱۳ و ۱۳۶۶/۱۰/۳۰ تصویب‌نامه‌هایی را با عنوان

«تأمین اعتبار و اختصاص مبلغ پانصد میلیون ریال [تا یک میلیارد ریال] جهت کمک به خانواده مشمولینی که با اعزام مشمول به خدمت وظیفه عمومی قدرت اداره معاش خود را از دست می‌دهند به کمیته امداد امام خمینی» به تصویب رساند. در این مصوبات که تماماً به یک مصوبه مربوط و اصلاحیه آن هستند، به تبصره ۹ ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۶۶ استناد شده است که در آن اعتباری «منحصراً برای تأمین قسمتی از هزینه‌های جنگ تحمیلی و خرید اقلام عمده دفاعی» در نظر گرفته شده بود. دولت از این محل، مبلغی را برای کمک به خانواده مشمولینی که با اعزام مشمول به خدمت وظیفه عمومی قدرت اداره معاش خود را از دست می‌دهند، در اختیار کمیته امداد امام قرار داد. آخرین مصوبه‌ای که با عنوان مذکور به تصویب هیئت وزیران رسید مورخ ۱۳۶۸/۸/۷ بود و بعد از این تاریخ هیئت وزیران مصوبه‌ای در این خصوص نداشته است. به عبارت دیگر، از سال ۱۳۶۸ تاکنون همه افراد متأهل موظف‌اند به خدمت وظیفه اعزام شوند؛ در حالی که قانون‌گذار جهت تأمین نیازهای زندگی آنها اقدام مؤثری انجام نداده است.

ب) اساساً منوط کردن پرداخت هزینه امرار معاش خانواده مشمولین به تقاضای آنها جهت قرار گرفتن تحت پوشش کمیته امداد، امری قابل قبول نیست؛ چراکه با توجه به فضای جامعه و بار روانی آن ممکن است فرد حاضر نباشد بپذیرد که خانواده وی تحت پوشش کمیته امداد قرار بگیرد. کمیته امداد امام خمینی برای کمک به افرادی است که خود توانایی امرار معاش خانواده را ندارند و از جهت اجتماعی نیز این افراد جزء طبقه نیازمند و فقیر جامعه محسوب می‌شوند. در حالی که در موضوع خدمت وظیفه، ممکن است فردی جایگاه اجتماعی بالایی در جامعه داشته باشد و در حالت عادی امکان تأمین نفقه خانواده خود را داشته باشد، اما به واسطه الزام و اجبار دولت، جزء طبقه فقیر جامعه قرار داده خواهد شد. این امر ممکن است بسیاری از افراد را وادار کند که به سراغ عضویت در کمیته امداد نروند و همچنان توانایی تأمین نفقه خانواده را نداشته باشند.

ج) آنچه کمیته امداد امام خمینی در اختیار خانواده‌های تحت پوشش قرار می‌دهد به اندازه تأمین نیازهای واقعی آنان نیست، بلکه به اندازه‌ای است که نیازهای ضروری و حداقلی آنان تأمین شود. در حالی که ممکن است فرد با توجه به جایگاه و شأن اجتماعی خود، نیاز به تأمین مالی بیشتری داشته باشد. مطابق قانون مدنی (ماده ۲۴۱۰۷)، نفقه هر زنی متناسب با جایگاه اجتماعی و وضعیت زندگی قبلی او تعیین می‌شود؛ در نتیجه آنچه کمیته امداد به خانواده پرداخت می‌کند، نمی‌تواند پاسخ‌گوی نفقه هر خانواده‌ای باشد. از این حیث ممکن است احترام و آبروی مشمول در جامعه نیز آسیب ببیند.

د) وظیفه مرد در خانواده صرفاً تأمین نیازهای مادی همسر و فرزندان نیست، بلکه از آن مهم‌تر حضور مرد در خانواده به‌عنوان پشتوانه و آرامش خانواده، نقش مهمی در تداوم و پاسداری از کرامت خانواده دارد. متأسفانه قانون‌گذار و شورای نگهبان به این امر توجه نکرده‌اند و صرفاً تأمین حداقلی معاش خانواده مشمولین را مورد توجه قرار داده‌اند.

ه) مطابق اصل ۱۰ قانون اساسی^{۲۵} لازم است همه برنامه‌ریزی‌ها و مقررات در راستای تسهیل تشکیل خانواده و پاسداری از قداست آن تنظیم شود. بنابراین مقررات نظام وظیفه نه تنها نباید مغایر با اصل مذکور باشد، بلکه باید به گونه‌ای تنظیم شود که افراد به امر ازدواج تشویق شده، روند شکل‌گیری نهاد خانواده تسهیل شود. در حالی که با مقررات کنونی نه تنها چنین امری اتفاق نیفتاده، بلکه برعکس، خدمت وظیفه عمومی یکی از موانع تشکیل خانواده محسوب می‌شود و افراد متأهل را پس از ازدواج با مشکل جدی تأمین هزینه‌های زندگی مواجه می‌سازد.

در قانون مصوب سال ۱۳۹۰، مجلس شورای اسلامی سعی کرده است دریافتی مشمولین خدمت وظیفه را افزایش دهد، در عین حال به‌جز مواردی محدود و ناچیز، تفاوتی میان افراد متأهل و مجرد قائل نشده است. با بررسی مواد مربوط به حقوق و مزایای مشمولین و آنچه در عمل اجرا می‌شود، می‌توان گفت نیازهای مشمولین تأمین نشده است و در وضعیت کنونی و با توجه به هزینه‌های زندگی افراد، میزان دریافتی مشمولین متأهل به گونه‌ای است که به هیچ وجه قادر به تأمین هزینه‌های زندگی نخواهند بود. در ادامه با بررسی مواد مربوط، میزان دریافتی هریک از مشمولین را بررسی می‌کنیم و نشان می‌دهیم که این دریافتی به هیچ وجه با واقعیت زندگی کنونی تطابق ندارد.

۳. میزان دریافتی مشمولین خدمت وظیفه مطابق ابلاغیه ستاد کل نیروهای

مسلح در سال ۱۳۹۷

ماده ۲۶۳۸ «قانون اصلاح موادی از قانون خدمت وظیفه عمومی» مصوب ۱۳۹۰/۸/۲۲، حقوق سربازان وظیفه را حداقل شصت درصد (۶۰٪) و حداکثر نود درصد (۹۰٪) حداقل حقوق کارکنان نیروهای مسلح مبتنی بر قانون مدیریت خدمات کشوری دانسته است که با توجه به تحصیلات و درجات آنان توسط ستاد کل تهیه می‌شود و به تصویب فرماندهی کل می‌رسد. همچنین تبصره یک ماده ۳۸ نیز حق عائله‌مندی کارکنان متأهل خدمت وظیفه را معادل صد درصد (۱۰۰٪) حق عائله‌مندی کارکنان پایور نیروهای مسلح دانسته است.

بر اساس مصوبه مورخ ۱۳۹۷/۲/۵ هیئت وزیران^{۲۷} «حداقل حقوق و مزایای مستمر شاغلین موضوع ماده ۷۶ قانون مدیریت خدمات کشوری برای کارمندان دستگاه‌های اجرایی مشمول

این قانون و سایر مشمولین ماده مذکور به استثنای مشمولین قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت در سال ۱۳۹۷ به میزان ۱۱,۲۳۰,۰۰۰ ریال» تعیین شده است. بنابراین باید حداقل حقوق سربازان خدمت وظیفه شصت درصد مبلغ مذکور، معادل ۶,۷۳۸,۰۰۰ ریال و حداکثر آن نود درصد مبلغ مذکور، معادل ۱۰,۱۰۷,۰۰۰ ریال باشد. در حالی که آخرین ابلاغیه ستاد کل نیروهای مسلح^{۲۸} که به موجب نامه شماره ۲۸/۳۱۰/۲/۵۰ مورخ ۱۳۹۷/۴/۲۸ «دفتر سیاست‌گذاری و نظارت راهبردی حفاظت اطلاعات نیروهای مسلح» ابلاغ شده است، ضریب قابل اجرا برای حقوق مشمولین را بیست درصد (۲۰٪) اعلام کرده است؛ یعنی آنچه به سربازان خدمت وظیفه پرداخت می‌شود بیست درصد مبالغ مذکور است. بنابراین حداقل حقوق مشمولین با درجه سرباز یا ناوی برابر ۱,۶۱۷,۱۲۰ ریال و حداکثر آن با درجه ستوان یکم پزشکی یا ناوبان یکم پزشکی، ۲,۴۲۵,۶۸۰ ریال است. همچنین حق عائله‌مندی کارکنان وظیفه متأهل دارای یک فرزند، مطابق ابلاغیه ستاد کل نیروهای مسلح در سال ۱۳۹۷ مجموعاً ۱,۸۳۲,۹۴۰ ریال است. با توجه به مفاد ابلاغیه ستاد کل نیروهای مسلح، حقوق و مزایای مشمولی که دارای مدرک دکتری و در عین حال متأهل و دارای یک فرزند نیز باشد، تقریباً برابر ۴,۵۲۸,۱۴۰ ریال است، که با توجه به شرایط فعلی بسیار ناعادلانه به نظر می‌رسد. این در حالی است که اگر حقوق و مزایای فرد مذکور مطابق قانون مصوب سال ۱۳۹۰ پرداخت شود، مبلغی معادل ۱۳,۰۶۲,۹۴۰ ریال خواهد بود.

برابر ابلاغیه ستاد کل نیروهای مسلح، ضریب قابل اجرا برای کارکنان وظیفه‌ای که خانواده آنان تحت پوشش کمیته امداد حضرت امام خمینی (ره) است، در صورتی که متأهل باشند، صد درصد (۱۰۰٪) و در صورتی که مجرد باشند، هفتاد درصد (۷۰٪) اعلام شده است. به عبارت دیگر صرفاً افراد متأهلی که درخواست عضویت در کمیته امداد امام خمینی داده‌اند، حقوق و مزایای واقعی موجود در قانون که معادل ۹۰ درصد حداقل حقوق کارکنان نیروهای مسلح است (۱۰,۱۰۷,۰۰۰ ریال) را دریافت می‌کنند.

از مطالب پیشین مشخص می‌شود که ماده ۳۸ قانون اصلاح موادی از قانون خدمت وظیفه عمومی مصوب ۱۳۹۰/۸/۲۲ درباره حقوق و مزایای مشمولین خدمت وظیفه، اجرا نمی‌شود. اشکال قانونی موضوع در آن است که در ماده ۲۹۵۰ قانون اصلاح موادی از قانون خدمت وظیفه عمومی مورخ ۱۳۹۰/۸/۲۲، اجرای ماده ۳۸ را منوط به تأمین بار مالی آن توسط دولت در بودجه‌های سنواتی دانسته است. نتیجه ماده ۵۰ آن است که اگر دولت بار مالی ماده ۳۸ را تأمین نکند، ستاد کل الزامی به اجرای آن ندارد.

نتیجه وضع ماده ۵۰ آن است که اکنون ستاد کل با استناد به ماده ۵۰ و به دلیل عدم تأمین

بودجه مورد نیاز ضریب قابل اجرا برای پرداخت حقوق به مشمولین را بیست درصد اعلام کرده است. در واقع آنچه شورای نگهبان به عنوان قانون تأیید کرده است، اکنون اجرا نمی‌شود و حقوق و مزایای مشمولین مطابق قانون تأییدشده شورای نگهبان پرداخت نمی‌شود. اگر این موضوع، در کنار ایراد شورای نگهبان به قانون سال ۱۳۶۳، قرار داده شود، مشخص می‌شود که ایراد شورا همچنان وجود دارد و برطرف نشده است؛ چراکه حقوق و مزایای پرداختی به مشمولین متأهل با واقعیت زندگی آنان متناسب نیست و طبیعتاً افراد در انجام وظایف شرعی و قانونی خود با مشکل مواجه می‌شوند.

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان به این نتیجه رسید که آنچه در عمل در حال اجرا است ایراد شرعی دارد و شورای نگهبان آن را مطابق با موازین شرعی ندانسته است. از این جهت لازم است شورای نگهبان، به عنوان پاسدار موازین شرعی و قانون اساسی، مجدداً مقررات خدمت وظیفه را با اشراف به واقعیت خارجی از جهت تطبیق با موازین شرعی بررسی کند.

نتیجه گیری

دو ایراد اصلی فقهای شورای نگهبان به اولین مصوبه خدمت وظیفه عمومی پس از انقلاب اسلامی، استفاده از سربازان در نهادهای غیرنظامی و عدم معافیت مشمولین متأهل به واسطه کفالت همسر از خدمت وظیفه عمومی بود. از منظر فقهای شورای نگهبان فلسفه الزام افراد به خدمت وظیفه عمومی و مبنای مشروع دانستن آن، تقویت بنیه دفاعی کشور و آموزش نظامی بود. از این رو، فقهای شورای نگهبان استفاده از سربازان در نهادهای غیرنظامی را که تناسبی با هدف خدمت وظیفه عمومی نداشت، مشروع نمی‌دانستند. همچنین مطابق دیدگاه اکثریت فقهای شورای نگهبان، الزام مشمولین متأهل به انجام خدمت وظیفه، در صورتی که نتوانند از عهده تأمین معاش خانواده خود برآیند، با تکلیف عینی آنها مبنی بر تأمین نفقه خانواده تعارض دارد و از این جهت مغایر با موازین شرعی است. دو ایراد مذکور که در نظرات اولیه فقهای شورای نگهبان درباره مصوبه خدمت وظیفه عمومی ذکر شده بود، در اصلاحات بعدی بدون دلیل قابل قبولی توسط خود شورا نادیده گرفته شد. این ایرادها در قوانین فعلی همچنان وجود دارد. در قوانین فعلی سربازان در نهادهای غیرنظامی به کار گرفته می‌شوند و افراد متأهل نیز مانند سایر افراد به خدمت اعزام می‌شوند، بدون آنکه راهکار مناسبی جهت تأمین معیشت آنان در نظر گرفته شده باشد. از این رو، انتظار می‌رود شورای نگهبان به عنوان نهاد پاسدار قانون اساسی و موازین شرعی، در جهت جلوگیری از اجرای قوانین مغایر با موازین شرعی، مجدداً قوانین مربوط به خدمت وظیفه عمومی را بررسی کند.

یادداشت ها

۱. برای مطالعه دیدگاه‌های منتقدان و استدلال‌های ایشان در جهان ر.ک: (Robert Anthony, 2010)
۲. خدمت اجباری خصوصی که در آن تنها افراد روستاها مکلف به گذراندن دوره سربازی بودند، در مقابل خدمت اجباری عمومی قرار دارد. در خدمت اجباری عمومی همه افراد کشور موظف به گذراندن دوره سربازی هستند و فرقی بین روستا و شهر نیست (مذاکرات مجلس سوم جلسه ۷۱). قانون خدمت اجباری عمومی کمی بعدتر در مجلس شورای ملی پنجم به تصویب رسید.
۳. گفتمنی است که همه ایرادات شورای نگهبان بر مصوبه خدمت وظیفه عمومی، شرعی بوده و هیچ کدام از جهت مغایرت با قانون اساسی مطرح نشده است. همچنین ایرادات مذکور را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد که از این میان چند ایراد ناظر به اشخاصی است که شرعاً متکفل تأمین زندگی دیگران هستند و باید نفقه ایشان را بپردازند (ایرادات شماره ۵، ۶، ۷ و ۸). یک ایراد نیز ناظر به به‌کارگیری سربازان در نهادهای غیرنظامی است (ایراد شماره ۳). چند ایراد نیز به صورت جزئی و ناظر به یک موضوع خاص بوده است (سایر ایرادات). جهت مطالعه کامل مصوبه مجلس و ایرادات شورای نگهبان ر.ک: yon.ir/L8PCT
۴. فقهای شورای نگهبان در زمان بررسی مصوبه خدمت وظیفه عمومی عبارت بودند از آیات اعظام: لطف‌الله صافی گلپایگانی، احمد جنتی، محمد مؤمن، ابوالقاسم خزعلی، محمد محمدی گیلانی، محمد امامی کاشانی.
۵. ماده ۱- «دفاع از استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی ایران و جان و مال و ناموس مردم وظیفه دینی و ملی هر فرد ایرانی است و در اجرای این وظیفه کلیه اتباع ذکور دولت جمهوری اسلامی ایران مکلف به انجام خدمت وظیفه عمومی برابر مقررات این قانون می‌باشند و هیچ فرد مشمول خدمت وظیفه عمومی را جز در موارد مصرحه در این قانون نمی‌توان از خدمت معاف کرد».
۶. «وَ أَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ ذُنُوبِهِمْ لَاتَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَأَنْتَظِمُونَ» (انفال: ۶۰)
۷. مطالب فوق برگرفته از مشروح مذاکرات اعضای شورای نگهبان در جلسه مورخ ۱۳۶۲/۱۰/۸، موجود در آرشیو پژوهشکده شورای نگهبان است.
۸. اصل ۱۴۷ قانون اساسی: «دولت باید در زمان صلح از افراد و تجهیزات فنی ارتش در کارهای امدادی، آموزشی، تولیدی و جهاد سازندگی، با رعایت کامل موازین عدل اسلامی استفاده کند در حدی که به آمادگی رزمی آسیبی وارد نیاید».
۹. تبصره ۳ ماده ۵ قانون خدمت وظیفه عمومی مصوب ۱۳۶۳/۷/۲۹: «نیروهای نظامی و انتظامی موظف‌اند طبق اصل ۱۴۷ قانون اساسی پرسنل کادر ثابت و وظیفه خود را بنا به درخواست دولت برای امور تولیدی، عمرانی، تحقیقاتی، آموزشی، بهداشتی و درمانی با رعایت کامل موازین اسلامی در حدی که به آمادگی رزمی آنها آسیبی وارد نیاید در اختیار دولت قرار دهند».
۱۰. متأسفانه مشروح مذاکرات اعضای شورای نگهبان، مربوط به تبصره فوق در دسترس نیست.
۱۱. ماده ۴۸ قانون اصلاح موادی از قانون خدمت وظیفه عمومی مصوب ۱۳۹۰/۸/۲۲: ماده ۴۸ - مواد الحاقی زیر با عنوان «فصل هشتم- استفاده دستگاه‌های غیرنظامی از خدمات کارکنان وظیفه» به قانون اضافه می‌شود: ماده ۶۶ - نیروهای مسلح موظف‌اند در اجراء اصل یکصد و چهل و هفتم (۱۴۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تعدادی از کارکنان وظیفه خود را بنا به درخواست دولت برای امور امدادی، تولیدی، جهاد کشاورزی، آموزشی، تحقیقاتی و پژوهشی، بهداشتی و درمانی مشروط بر این که به آمادگی رزمی نیروهای مسلح آسیبی وارد نیاید در اختیار دولت قرار دهد».

۱۲. برای مطالعه مشروح مذاکرات اعضای مجلس بررسی نهایی قانون اساسی ذیل اصل ۱۴۷ ر.ک: صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴، ج ۲: ۱۳۶۸-۱۳۷۴.
۱۳. در مشروح مذاکرات شورای نگهبان نیز هیچ اشاره‌ای به نظریه قبلی شورا و ایراد فقها نشده و اساساً در این خصوص بحثی صورت نگرفته است.
۱۴. ماده ۴۵ لایحه خدمت وظیفه عمومی مصوب ۱۳۶۲/۱۰/۵: «مشمولان زیر حسب مورد از انجام خدمت دوره ضرورت معاف می‌باشند، مگر اینکه داوطلب انجام خدمت باشند:
- الف- یگانه مراقب و نگهدارنده پدر یا جد یا برادر و یا مادر یا جده یا خواهر که قادر به اداره امور خود نباشد.
- ب- یگانه سرپرست و نگهدارنده برادر یا خواهر صغیر.
- ج- یگانه سرپرست خواهر مجرد در صورتی که تا سن ۲۴ سالگی مجرد باشد.
- د- از ۲ یا ۳ برادر واجد شرایط اعزام به خدمت یکی از آنان تا خاتمه خدمت دیگری به خدمت دوره ضرورت یا احتیاط اعزام نخواهد شد. و ترتیب تقدم در اعزام بر مبنای سن مشمول خواهد بود».
۱۵. آن‌گونه که در بند ۱ ذکر شد فقهای شورای نگهبان در این خصوص نظرات متفاوتی داشته‌اند. گروهی خدمت وظیفه را مقدمه واجب کفایی و گروهی با استناد به آیه ۶۰ سوره انفال آن را واجب کفایی می‌دانستند.
۱۶. ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی: «در عقد دائم نفقه زن به عهده شوهر است».
۱۷. ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی: «نفقه اولاد بر عهده پدر است».
۱۸. ماده ۱۲۰۳ قانون مدنی: «در صورت بودن زوج و یک یا چند نفر واجب‌النفقه دیگر، زوج مقدم بر سایرین خواهد بود».
۱۹. ماده ۱۱۱۱ قانون مدنی: «زن می‌تواند در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه به محکمه رجوع کند در این صورت محکمه میزان نفقه را معین و شوهر را به دادن آن محکوم خواهد کرد».
۲۰. بند (ه) ماده ۴۴ مصوبه اصلاحی مجلس به شرح ذیل بود: «ماده ۴۴- مشمولان زیر حسب مورد از انجام خدمت دوره ضرورت معاف می‌باشند: ... ه- مشمولین غیر غایبی که دارای همسر یا فرزند تحت تکفل می‌باشند تا تصویب و اجرای لایحه مذکور در ماده ۵۵ این قانون در زمان صلح. بدیهی است پس از تصویب و اجرای لایحه مذکور به شرط نداشتن مانع دیگری مشمولین فوق به خدمت اعزام خواهند شد». ماده ۵۵ قانون خدمت وظیفه عمومی مقرر داشته بود: «دولت موظف است لایحه نحوه کمک به خانواده‌های مشمولینی را که با اعزام مشمول قدرت اداره معاش خود را از دست می‌دهند تهیه و ظرف مدت ۶ ماه جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید».
۲۱. ماده ۴۴ قانون خدمت وظیفه عمومی مصوب ۱۳۶۳/۷/۲۹: «ماده ۴۴- مشمولان زیر حسب مورد از انجام خدمت دوره ضرورت معاف می‌باشند:
- الف- یگانه مراقب و نگهدارنده پدر یا جد یا برادر و یا مادر یا جده یا خواهر که قادر به اداره امور خود نباشد.
- ب- یگانه سرپرست و نگهدارنده برادر یا خواهر صغیر.
- ج- یگانه سرپرست خواهر مجرد در صورتی که تا سن ۲۴ سالگی مجرد باشد.
- د- از ۲ یا ۳ برادر واجد شرایط اعزام به خدمت یکی از آنان تا خاتمه خدمت دیگری به خدمت دوره ضرورت یا احتیاط اعزام نخواهد شد. و ترتیب تقدم در اعزام بر مبنای سن مشمول خواهد بود.
- ه- مشمولین غیر غایبی که دارای همسر یا فرزند تحت تکفل می‌باشند تا تصویب و اجرای لایحه مذکور در ماده ۵۵ این قانون در زمان صلح.
- بدیهی است پس از تصویب و اجرای لایحه مذکور به شرط نداشتن مانع دیگری مشمولین فوق به خدمت اعزام خواهند شد».
۲۲. گفتنی است که در قوانین بودجه در سال‌های مختلف، ذیل ردیف کمیته امداد امام خمینی (ره) بودجه‌های

مختلفی جهت کمک به کمیته امداد در زمینه‌های مختلف از قبیل تأمین مسکن، حمایت‌های اجتماعی، امنیت غذا و تغذیه و معیشت مضمولین، در نظر گرفته شده است؛ اما ردیف بودجه‌ای به صورت خاص به سربازان خدمت وظیفه اختصاص داده نشده است.

۲۳. این قانون در ۱۳۶۶/۶/۳ به تصویب مجلس رسید و در ۱۳۶۶/۶/۱۹ توسط شورای نگهبان تأیید شد.

۲۴. «نقّه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض».

۲۵. اصل دهم قانون اساسی: «از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد».

۲۶. ماده ۳۸ قانون اصلاح موادی از قانون خدمت وظیفه عمومی مصوب ۱۳۹۰/۸/۲۲: «ماده (۴۹) به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۴۹ - حقوق سربازان وظیفه حداقل شصت درصد (۶۰٪) و حداکثر نود درصد (۹۰٪) حداقل حقوق کارکنان نیروهای مسلح مبتنی بر قانون مدیریت خدمات کشوری است که با توجه به تحصیلات و درجات آنان توسط ستاد کل تهیه می‌شود و به تصویب فرماندهی کل می‌رسد.

تبصره ۱ - به کارکنان وظیفه متأهل یا سرپرست خانواده معادل صد درصد (۱۰۰٪) حق عائله‌مندی کارکنان پایور نیروهای مسلح پرداخت می‌گردد.

تبصره ۲ - حقوق کارکنان وظیفه در دوران آموزش و قبل از دریافت درجه یا سردوشی به میزان پنجاه درصد (۵۰٪) حقوق اولین ماه دوران خدمت آنان است.

تبصره ۳ - به کارکنان وظیفه در خاتمه خدمت دوره ضرورت معادل یک ماه حقوق به‌عنوان پاداش پرداخت می‌گردد.

تبصره ۴ - حق بازنشستگی و حقوق اولین ماه خدمت از حقوق ماهانه کارکنان وظیفه کسر نمی‌گردد.»

۲۷. با توجه به اینکه مصوبه ستاد کل نیروهای مسلح در سال ۱۳۹۸ هنوز به دستگاه‌های ذی‌ربط ابلاغ نشده است و در دسترس نیست، مقررات مربوط به سال ۱۳۹۷ در این زمینه مورد تحلیل قرار گرفت.

۲۸. ابلاغیه مذکور در خصوص سربازان امریه بوده و مستند به تبصره ۲ ماده ۷۰ قانون خدمت وظیفه عمومی

است. همچنین لازم به ذکر است در مصوبه مشابه مصوبه فوق در سال ۱۳۹۶، استنادی به ماده ۷۰ نشده است.

برای مشاهده ابلاغیه‌های مذکور ر.ک: yon.ir/CVoR6 - yon.ir/xINRm

۲۹. ماده ۵۰ قانون اصلاح موادی از قانون خدمت وظیفه عمومی مورخ ۱۳۹۰/۸/۲۲: «بار مالی ناشی از اجرای این قانون در سال ۱۳۹۰ براساس بند (۸۲) قانون بودجه سال ۱۳۹۰ کل کشور تأمین می‌شود. اجرای احکام مواد (۳۰)، (۳۸) و (۴۰) و ماده الحاقی (۷۴) موضوع ماده (۴۸) و مواد الحاقی (۷۸) و (۸۱) موضوع ماده (۴۹) این قانون در سال‌های آتی منوط به تأمین بار مالی مورد نیاز در بودجه‌های سنواتی است.»

منابع

الف: فارسی

آشنا، حسام الدین (۱۳۸۸)، از سیاست تا فرهنگ، سیاست‌های فرهنگی دولت در ایران (۱۳۰۴-۱۳۲۰)، تهران: سروش.

انصاری، مرتضی بن محمدامین (۱۴۱۵)، کتاب النکاح، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، جلد ۱.

خمینی، روح الله (۱۳۷۹)، *تحریر الوسيله*، قم: دارالعلم، جلد ۱.

زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۵۵)، «جنگ و جمعیت در قرن بیستم»، *دانشکده (دانشگاه تهران)*، جلد ۹، ش ۳، ص ۱۷-۲۸.

شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۰)، *اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة*، بیروت: دار التراث، جلد ۱.

صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۴)، تهران: انتشارات مجلس شورای اسلامی.

مرکز تحقیقات شورای نگهبان (۱۳۹۰)، *مجموعه نظرات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی دوره اول (خرداد ۱۳۵۹ تا خرداد ۱۳۶۳)*، تهران: ریاست جمهوری، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات.

مشکینی اردبیلی، علی (۱۳۷۴)، *اصطلاحات الأصول و معظم أبحاثها*، قم: نشر الهادی، جلد ۱.

نیازی، محمد و وحید شالچی (۱۳۹۲)، «شکل‌گیری نظام وظیفه در ایران و طرح ملت‌سازی در دوره پهلوی اول»، *جامعه‌شناسی تاریخی*، جلد ۱۰، ش ۵، ص ۴۱-۷۰.

ب: لاتین

Robert Anthony, Pearce (2010), *Solidarity?: A comparative study of trades unions in the conscription debate in New Zealand and Australia during the Great War*, University of Adelaide, School of History and Politics.